

چکیده

رعایت پوشش و حجاب به عنوان یک امر واجب دینی امروزه در جامعه ما به ویژه در بین نسل جوان با چالش جدی روبه‌رو گردیده و به همین جهت بررسی این موضوع از منظر جامعه‌شناسی و از نگاه نسل جوان ضرورت دارد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب و با روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین هستند که با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و بر اساس فرمول کوکران ۳۷۷ نفر به پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن تأیید شده است، پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میانگین نگرش مثبت به پوشش و حجاب برحسب مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل متفاوت است و بین پوشش مادران و فرزندان نیز تفاوت معناداری وجود دارد که می‌تواند تأیید کننده شکاف نسلی در این موضوع باشد. همچنین بین متغیرهای دین‌داری و عزت‌نفس با نگرش مثبت به پوشش و حجاب نیز رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. در مدل رگرسیونی نیز از بین متغیرهای مستقل، متغیر دین‌داری بیشترین تأثیر را در نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب و بعد به ترتیب وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، دانشکده، جنس، سلامت روان و عزت‌نفس در تبیین متغیر وابسته نقش داشته‌اند.

■ واژگان کلیدی

حجاب، پوشش، دین‌داری، نگرش، شکاف نسلی

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین)

زهرا طاهری

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
(z.taheri@soc.ikiu.ac.ir)

۱. بیان مسئله

شریعت اسلام بر مبنای سعادت بشر بنا شده و آموزه‌های آن در راستای نیازهای روحی و جسمی و مادی و معنوی انسان است و احکام الهی پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبرانه نازل شده است (حسینی، ۱۳۸۰). امروزه حجاب به عنوان الزام اجتماعی و بخش جدایی‌ناپذیر هویت و فرهنگ اسلامی، نه تنها بر عصمت و پاکی دلالت دارد بلکه به عنوان سپر حمایتی از زن و مرد مسلمان و در نهایت کل جامعه در برابر تباهی و فساد محافظت می‌کند (Derayeh, 2010: 49). حجاب به عنوان یک ارزش الهی تضمین کننده امنیت فردی، اجتماعی، سلامت روحی و روانی افراد بوده و نتایج عمده پژوهش‌ها نیز مؤید این مطلب است.

حجاب غرایز، التهابات جنسی و معاشرت‌های بی‌بندوبار را کنترل کرده و بر تحکیم خانواده می‌افزاید و از این رو اسلام، حجاب را از مصادیق مهم تحقق امنیت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است. قرآن کریم نتیجه نهایی عفت را با تعبیری چون «خیر لهن»، «أطهر لقلوبکم و قلوبهن» و «أزکی لهن» بیان می‌کند که مقدمه‌ای برای عقیف ماندن و آلوده نشدن به فحشاست (انتصارفومنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲).

در آیه ۲۲ سوره اعراف آمده است: «به محض اینکه که حضرت آدم و همسرش از آن میوه ممنوعه خوردند بلافاصله لباس‌هایشان از تن‌شان فرو ریخت و اندام‌شان نمودار شد»^۱ و در ادامه: «هنگامی که آدم و حوا چنین دیدند بلافاصله از برگ‌های درختان بهشتی برای پوشیدن اندام خود استفاده کردند»^۲. همچنین در ادامه آیات ۲۶ و ۲۷ همین سوره آمده است: «ای بنی آدم، ما برای شما لباسی فرستادیم که بدن شما را بپوشاند و زشتی‌های آن را پنهان کند»^۳.

همچنین در قرآن کریم آیات ۳۰، ۳۱ و ۶۰ سوره نور و آیات ۳۲، ۳۳ و ۵۹ سوره احزاب نیز بر حجاب و قانونمندی روابط زن و مرد تأکید کرده است.^۴

۱. فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما

۲. و طفقا یخصفان من ورق الجنة

۳. بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباساً یواری سواتکم

۴. (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندام‌شان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است (نور: ۳۰).

– (و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فروبندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مانند لباس‌های زیبا و گوشواره و گردن بند مگر مقداری که طبعاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر

در دین اسلام حجاب و پوشش اسلامی برای زنان به عنوان یک اصل مورد توجه بوده و در ایران نیز همچون دیگر کشورهای اسلامی به پوشش زنان به عنوان یک هنجار مثبت اجتماعی، فرهنگی و دینی توجه خاصی شده است؛ اما متأسفانه در سال‌های اخیر چرخشی در هنجارهای دینی و فرهنگی ایران رسوخ کرده که التزام شرعی به حجاب و پوشش زنان نیز متأثر از آن در جامعه سست شده است تا جایی که این مسئله در سال‌های اخیر به یکی از بحث برانگیزترین مسائل اجتماعی کشور تبدیل شده است. در یک طرف گروهی از قشر جوان تحت تأثیر فرهنگ‌های متفاوت بر این باورند که حجاب و پوشش زنان باید آزاد باشد و در طرف دیگر بخش زیادی از جامعه معتقدند که زنان با توجه به آموزه‌های دینی و بنا بر ضرورت‌های اجتماعی و عرف جامعه باید با پوشش مناسب در اجتماع حضور داشته باشند. تقابل این دو نوع نگاه سبب شده تا گاه و بیگاه شاهد مطرح شدن بحث‌ها و مسائل متعددی در زمینه حجاب باشیم که برآیند آن شکل‌گیری منازعات مجازی و واقعی بین دو قشر بوده است (کشوری چرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷).

دست و صورت {پیداست} در برابر کسی {آشکار نکنند، و {برای پوشاندن گردن و سینه} مقنعه‌های خود را به روی گریبانهایشان ببندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید». (نور: ۳۱).

- (و زنان سالخورده که (از ولادت و عادت) باز نشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست در صورتی که اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود (یعنی لباس‌های رو مانند عبا و چادر و روپوش و امثال آن) را نزد نامحرمات برگیرند، و باز هم عفت و تقوا گزینی (و برنگرفتن جامه) بر آنان (در دین و دنیا) بهتر است، و خدا (به سخنان خلق) شنوا و (به اغراض و نیات آنها) آگاه است) (نور: ۶۰).

- (ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس زنه‌ار نازک و نرم (بامردان) سخن مگویید مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع اقتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گویند). (احزاب: ۳۲).

- (و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد). (احزاب: ۳۳).

- (ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشد بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است) (احزاب: ۵۹).

در دهه‌های اخیر با نگاهی به جامعه متوجه تغییرات مفهوم «حجاب» در اذهان و عملکرد افراد جامعه می‌شویم. مفهوم حجاب خانم‌ها برای بسیاری از دختران و حتی پسران، از قالب چادر و مانتوی بلند خارج شده و تعاریف متعدد، متفاوت، پیچیده و بعضاً چندگانه‌ای پیدا کرده است. شایان ذکر است که این تغییرات مفهومی، هم افرادی که پوشش متفاوت با مادران خود دارند و هم افرادی را که ظاهراً مانند مادران خود پوشش ظاهر دارند ولی اعتقادی به آن ندارند را در بر می‌گیرد. لذا هنجارها و الگوهای رفتاری جوانان و همچنین بزرگسالان، طبق ویژگی‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، متناسب با تاریخ نسل‌شان شکل می‌گیرد، که البته بیشتر تحت تأثیر قوانین حاکم بر جهان است. بنابراین طبیعی است که خرده فرهنگ جوانان جامعه از خرده فرهنگ بزرگسالان جامعه تا حدی از مرزهای طبیعی خود فراتر می‌رود و زنگ‌های خطر را برای گوش‌های شنوا و چشم‌های بیدار به کار می‌اندازد (فاضلیان، ۱۳۹۰: ۶۷).

با توجه به مطالب ذکر شده فهم رفتارهای گروه‌های اجتماعی و مطالعه نگرش‌های آنها امری ضروری است و لازمه درک علایق و انگیزه‌ها و رغبت این گروه‌ها، از مطالعه نگرش‌ها آغاز می‌شود (خیدانی، ۱۳۹۴: ۵۲). از این رو در این پژوهش تلاش شده است با نگاه جامعه‌شناسانه و عاری از هرگونه قضاوت ارزشی، بنا به فراخور شرایط جامعه امروز و تنش و گفتمان‌هایی که در این عرصه به وجود آمده است به مطالعه‌ی نگرش دانشجویان نسبت به مسئله پوشش و حجاب بپردازیم و تاثیر عواملی چون دین‌داری، سلامت روان، عزت نفس، ویژگی‌های فردی و شکاف نسلی بر این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. پیشینه پژوهش

در بخش سوابق پژوهش، به مطالعه و مرور مقالاتی که پیشینه آنها با متغیرهای پژوهش در یک راستا و مرتبط بود پرداخته شده است که نتایج این مطالعه به اختصار در جدول شماره یک آمده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

مؤلف / سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	نتایج
کشوری چرمی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی وضعیت پوشش و حجاب زنان در جامعه و پیامدهای بی‌حجابی آنان	کل جمعیت شهری و روستایی کشور، روش پیمایش	رابطه معناداری بین متغیرهای سن، تأهل، تحصیلات، میزان درآمد، محل سکونت، میزان مذهبی بودن فرد و خانواده فرد با متغیر دیدگاه مردم درباره «لزوم رعایت پوشش و حجاب در اماکن عمومی توسط زنان» تأیید می‌شود در مقابل، وجود رابطه بین متغیرهای جنسیت و وضعیت شغلی در اماکن عمومی توسط زنان شغلی با متغیر مورد بررسی رد می‌شود.
فتحی و نامور (۱۳۹۶)	مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایش‌های رفتاری دانشجویان دختر به حجاب اسلامی	دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، پیمایش	از نگاه دانشجویان، پوشش نامناسب، امری شخصی است، ولی همه اعتقاد ندارند که پوشش نامناسب به‌خاطر اعتراض به ساختار جامعه و مذهب است؛ در حالی که دلیل آن بیشتر، تفاوت نسل‌ها و اعتراض نسبت به خانواده و وضعیت موجود آن است. علاقه نداشتن به حجاب بیشتر ناشی از ناآگاهی به ارزش‌های دینی و وضعیت نامطلوب خانواده در جایگاه تربیتی بوده و جوانان به تبیین و اقناع بیشتری در امر پوشش نیاز دارند.
ده یادگاری و همکاران (۱۳۹۶)	ارائه الگوی ساختاری عوامل مؤثر بر قصد خرید پوشاک حجاب	زنان، پیمایش	متغیرهای دین‌داری، دلمشغولی مد، عزت‌نفس، هنجار ذهنی و دلمشغولی حجاب شناسایی و در قالب یک الگوی معادلات ساختاری تأثیر آنها بر قصد خرید پوشاک حجاب مورد ارزیابی قرار گرفت. از بین متغیرها، تأثیر متغیر دلمشغولی حجاب بر قصد خرید پوشاک حجاب به‌صورت مستقیم (ضریب اثر ۰/۸۵) است و بقیه متغیرها به‌صورت غیرمستقیم بر قصد خرید اثر می‌گذارد.
انتصارفومنی و همکاران (۱۳۹۴)	مقایسه مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان با حجاب و بدحجاب	افراد باحجاب و بی حجاب، دارای سنین مختلف (بیش از ۱۸ سال)،	زنان باحجاب مصونیت اجتماعی و سلامت روانی بیشتری نسبت به زنان بدحجاب دارند و مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان شاغل در سازمان‌های دولتی بیشتر از زنان شاغل در سازمان‌های غیردولتی است. پژوهشگران نتیجه گرفتند حجاب با مصونیت اجتماعی و سلامت روانی، وضعیت اشتغال و محل اشتغال ارتباط دارد.

مؤلف/ سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	نتایج
خوشفر و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن	شهروندان گرگانی، پیمایش	عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، فردی و اقتصادی به ترتیب اهمیت، رابطه معنی دار مثبت و متغیرهای زمینه‌ای، سن، درآمد، صداقت و مصرف رسانه‌ای به ترتیب اهمیت، رابطه معنادار با گرایش به حجاب دارند؛ به طوری که صداقت و سن رابطه مثبت و مصرف رسانه‌ای و درآمد، رابطه منفی دارند.
زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۳)	رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان	دانش آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان رباط کریم، توصیفی	بین متغیرهای پایبندی مذهبی، تصور از خود و سلامت روان رابطه وجود دارد و افزایش پایبندی به حجاب، با بهبود تصور از خود و افزایش سلامت روان همبسته است. همچنین پایبندی به حجاب و تصور از خود می‌تواند ۱۴/۳۰ درصد از واریانس سلامت روان را تبیین کند.
سفیدی و همکاران (۱۳۹۲)	تأثیر رعایت حجاب بر عزت‌نفس	دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین، پیمایش	افرادی که نمرات عزت‌نفس بالاتری دارند، به حجاب بیشتر اهمیت می‌دهند و رعایت حجاب، زمینه‌ساز بهداشت روانی بوده و نشان دهنده عزت‌نفس بالای دانشجویان است.
سیاح و رگ و همکاران (۱۳۹۲)	عوامل مؤثر بر عفاف و حجاب	دختران متوسطه استان خراسان شمالی، پیمایش	رابطه معناداری بین متغیرهای عدم تمایل بر مد، دین‌داری، درآمد والدین، تحصیلات پدر و مادر با متغیر عفاف و حجاب وجود دارد
زنجانی و احسانی (۱۳۹۱)	رویکرد جوانان نسبت به حجاب	جوانان (۳۴-۱۸ ساله) مناطق دو و هجده شهر تهران، پیمایش	سه عامل رضایت از مسئولان دولتی، اعتقادات دینی فرد، نگرش خانواده فرد نسبت به حجاب فرزندان از مهمترین عوامل تعیین کننده بوده است. همچنین متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، منطقه سکونت، جنسیت، شغل پدر با متغیر نگرش نسبت به حجاب رابطه معناداری دارند و بر نگرش فرد در این زمینه تأثیر گذار بوده‌اند.
اسکویی و عبدی (۲۰۱۳)	علائم اختلالات شخصیت خوشه در زنان ایرانی استفاده از آرایش غلیظ	دانشجویان دختر شاغل به تحصیل زبان انگلیسی، تبریز، پیمایش	در بررسی مقایسه بین استفاده کنندگان مواد آرایشی دریافتند که استفاده کنندگان غلیظ مواد آرایشی می‌خواهند زیبایی منحصر به فردی داشته باشند و تا حد زیادی به ظاهر خود اعم از پوشش و نحوه آرایش خود اهمیت می‌دهند و اختلالات شخصیت ضداجتماعی، اضطراب، افسردگی و اختلال بدشکلی بدن و خودشیفتگی در آنها بیشتر دیده می‌شود.
رجبی (۱۳۸۲)	رابطه نگرش به حجاب و سطح اضطراب به عنوان اصلی ترین مؤلفه سلامت روانی	دختران دانش آموز پایه سوم مقطع متوسطه شهر قم و تهران، پیمایش	بین نگرش مثبت به حجاب و سطح اضطراب دانش آموزان، همبستگی معکوس و معنادار وجود دارد، همچنین میزان نگرش به حجاب و سطح اضطراب دانش آموزان، به طور معناداری تحت تأثیر عواملی چون شناخت احکام، انتخاب نوع پوشش، سطح تحصیلات و نوع شغل پدر و مادر و شهر محل سکونت قرار دارد.

مؤلف / سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	نتایج
تولایت و مرادی (۲۰۱۱)	زنان مسلمان ایالات متحده و تصویر بدنی؛ پیوندهای میان ساختارهای نظریه عینیت بخشی و حجب	۱۱۸ زن مسلمان در ایالات متحده	تفاوت‌های فردی در پوشیدن حجاب با تجارب عینی‌سازی جنسی گزارش شده رابطه منفی دارد. در مجموع، این نتایج به اهمیت درونی‌سازی استانداردهای فرهنگی مسلط زیبایی اشاره می‌کند و سودمندی در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در پوشیدن حجاب در میان زنان مسلمان ایالات متحده را پیشنهاد می‌کند.
شیرازی و میثرا (۲۰۱۰)	زنان جوان مسلمان در حجاب صورت نقاب ابزار مقاومت در اروپا اما طرد شده در ایالات متحده	مصابحه‌های عمیق با زنان مسلمان	برای فهم نگاه زنان مسلمان نسبت به حجاب در غرب، باید عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور، ماهیت مهاجرت آنها، ترکیب جمعیت شناختی گروه آنها و چگونگی تفسیر آنها از دنیوی شدن و شهروندی را بررسی کرد. همچنین نیمی از شرکت کنندگان در مطالعه، در عین استفاده از روسری تمایلی برای استفاده از نقاب نداشتند، بلکه برعکس در محیط آمریکا آن را غیرضروری و نامناسب می‌دانستند. البته اکثر مشارکت کنندگان این حق را برای کسانی که مایل به استفاده از نقاب بودند، محترم شمرده‌اند.
بهویی و همکاران (۲۰۰۸)	هویت فرهنگی، لباس و اختلال روانی رایج	نوجوانان سقیدپوست بریتانیایی و بنگلادشی	نتایج نشان داد دخترانی که ارجحیت پوشیدن لباس‌های سنتی و مذهبی بر لباس‌های غربی دارند، در آینده کمتر دچار آسیب‌های روانی می‌شوند.
تارلو (۲۰۰۷)	حجاب در لندن: دگردیسی، طنین و اثرات	زنان مسلمان لندن	انتخاب حجاب از سوی زنان طبقه متوسط مسلمان اغلب به عنوان یک کالا نگریسته می‌شود، نه به عنوان پس زمینه فرهنگی آن. به‌طور کلی تارلو در تحقیق خود پتانسیل انتقالی حجاب را بررسی کرده و معتقد است که حجاب تأثیر معناداری روی دیگران دارد.
تالگاراجاه (۲۰۰۳)	ساخت و سازهای محجبه: درگیری، مهاجرت و مدرنیته در شرق سریلانکا	زنان مسلمان مهاجر از خاورمیانه به شرق سریلانکا	مهاجرت باعث تغییر اعمال هر روزه آنها در درون یک فرهنگ متحد اسلامی می‌شود. زنان مهاجر همچنین کالاهای وارد شده از کشورهای عربی را مصرف می‌کنند. در نتیجه اعمال مذهبی اسلامی نقش ترقی‌گرایانه و قدرت بخشی در زندگی زنان مهاجر ایفا می‌کند.
واتسون (۲۰۰۰)	زنان و حجاب	-	نویسنده درصدد است باتوجه به اصول حاکم بر حجاب، مفاهیم مرتبط با پوشش در قرآن را بیان کند و در ادامه با استناد به نظرات دو طیف از زنان، انتخاب حجاب زنان را در ریشه‌ها و در دنیاهای مختلف، مسئله‌ای سیاسی و فردی شمارد و حتی گرایش آشکار زنان به حجاب را نوعی فمینیسم معکوس و اعتراض علیه مصرف‌گرایی و غرب‌گرایی محسوب کند.

با مروری بر مطالعات صورت گرفته این پژوهش تلاش دارد از منظر فقه و جامعه‌شناسی، مقوله نگرش مثبت به حجاب را تعریف و عوامل مؤثر بر آن را در بین دانشجویان (باتوجه به جنس، تفاوت نسلی و...) مورد بررسی قرار دهد.

۳. مبانی نظری

امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی به معنای پوشش شرعی زنان به کار می‌رود. حجاب از دیدگاه فقها یکی از احکام اسلامی است که برای پوشش زنان و مردان وضع شده است و اصطلاحاً عبارت است از: «پوشاندن ضروری مو و سایر اعضای بدن به جز صورت و دو دست توسط زنان مسلمان در برابر مردانی که طبق شریعت اسلامی نامحرم شمرده می‌شوند. درباره پوشش مردان نیز حداقل مقدار پوشش واجب حفظ عورتین است» (خوشفر، ۱۳۹۴: ۵۵).

۱۸۶

استاد مطهری در باب حجاب می‌گوید: «عده‌ای می‌گویند چون حجاب، به معنای پرده است، اسلام خواسته است زن باحجاب باشد، یعنی همواره پشت پرده و در عزلت و گوشه‌نشینی باشد، اما باید بدانیم درباره پوشش زن کلمه «ستر» به کار می‌رود. پوشش زن، در اسلام آن است که در معاشرت با مردان، بدن خود را پوشانده و از جلوه‌گری، پرهیز کند» (همان).

در جامعه کنونی ما نوع حجاب، الگویی از رفتار فرهنگی و اجتماعی است که بیش از سایر الگوها در معرض ارزشیابی انتقادی، تغییر و تعدیل قرار گرفته است. حجاب به صورت سنت به نسل جدید می‌رسد؛ بنابراین نیازمند مشروعیت بوده و باید برای آنها تفسیر و تبیین شود (خدادادی و احمدی، ۱۳۹۴: ۹).

هر چه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دین‌داری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هر چه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، نورانیت، تقدس، حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود و هر چه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت، رشد و امنیت فردی و اجتماعی فزون‌تر است. هر چند مسئله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این است که به مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن در اسلام بپردازیم (حسن‌زاده، ۱۴۰۱: ۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، فردگرایی و جمع‌گرایی به‌عنوان مشخصه فرهنگی مشخص شده و این‌گونه تعریف می‌شود: «الگوهای معنایی مشترک، بین افرادی که دارای یک زبان مشترک، محیط جغرافیایی مشترک و در یک سیر زمانی خاص زندگی می‌کنند» (مدقق، ۱۳۸۷).

تشخص گروهی که لازمه مشترک بودن در نوع پوشش، تغذیه، زبان، تحصیل، علائق، سلیقه‌ها، افکار و عقاید و رفتارهای جمعی است و بیشتر تحت تأثیر ساخت جامعه، نهادها و ارزش‌های آن است و می‌تواند به عنوان تعیین کننده گرایش به نوع خاصی از حجاب، در جامعه شناخته شود (محبی، ۱۳۸۰).

با این حال از دیدگاه جامعه‌شناسی همان‌گونه که وضعیت حجاب در جوامع بشری باهم متفاوت است، از گروهی به گروه دیگر و از فردی به فرد دیگر نیز متفاوت خواهد بود و این گوناگونی حجاب امری بدیهی و طبیعی است. از این منظر، حجاب داشتن یا نداشتن حاصل خواست اجتماعی و تمنیات جمعی آحاد یک جامعه است. در واقع، اصول ایدئولوژیکی در این امر مبنای قضاوت ارزشی و خارج از رویه علمی جامعه شناختی است، چون حجاب مانند هر امر دیگری یک پدیده نسبی و نه مطلق است (کاشانی، ۱۳۸۶: ۲۳). وقتی دور‌کیم با توجه به مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک جامعه که آن را با عنوان وجدان جمعی نام می‌برد، معتقد است که این وجدان، مستقل از شرایط و وضع مخصوص افراد است. افراد گذرا هستند، ولی وجدان جمعی از نسلی به نسل دیگر دگرگون نمی‌شود و نسل‌های متوالی را به یکدیگر مربوط می‌کند. منشأ همبستگی اجتماعی اشتراک عمده‌ای از حالات وجدان در میان همه اعضای یک جامعه است. این همبستگی وحدت گروه را تأمین می‌کند (طیبنیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۶).

مطابق نظر متفکران اجتماعی، اکثر تصمیمات و رفتار انسان‌ها تابع ساخت اجتماعی حاکم است و دگرگونی‌های محیطی، منجر به تغییر رفتار و باورهای انسان‌ها می‌شود و منش اجتماعی هر فرد تابع اصل مورد قبول اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند. بر این اساس، لازم است تا بین ارزش‌های اصولی جامعه با ساختارهای کنترل عینیت، هماهنگی کامل وجود داشته باشد. اگر این دو در تعارض یا اصطکاک با یکدیگر قرار گیرند، با جامعه‌ای دوشخصیتی با مردمانی بی‌هویت روبه‌رو خواهیم شد و چنانچه برای رفع چالش‌ها و نقایص پیش آمده به این دلیل، برنامه‌ها و مواضعی کوتاه‌مدت اتخاذ شود، فرسایش و ناهنجاری‌ها افزایش یافته سطح درگیری‌های فکری و فرهنگی روزبه

روز بالا می‌رود؛ بنابراین، از دیدگاه جامعه‌شناختی، گرایش به حجاب اسلامی و یا به عکس آنچه اشاعه بدحجابی یا تغییرات پوششی خوانده می‌شود، مادامی که این تغییرات ساختاری به قوت خود باقی باشد، این فرایند همچنان ادامه خواهد یافت (طیبی‌نیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۴۹).

تغییرات ساختاری در عرصه اقتصادی و تغییرات ارزشی در عرصه فرهنگی و تغییرات سریع ارتباطات در عرصه جهانی شدن، احتمالاً نقش عمده‌ای در اختلالات هنجاری پوشش زنان در جامعه مذهبی ایران داشته است؛ به گونه‌ای که وفاق و انسجام اجتماعی جامعه را تحت الشعاع قرار داده است. درواقع؛ مسئله حجاب و پوشش در جامعه، در وضعیت فقدان یا کمبود وفاق ارزشی و انسجام اجتماعی رخ می‌دهد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶).

از نگاه روانشناسان، انسان در دوره بلوغ با بحران‌های متفاوتی از جمله بحران‌های روانی، احساسی و عاطفی روبه‌رو است. در بین نوجوانان میل به خودنمایی و جلب نظر دیگران، عمده‌تأثیر بیشتری خواهد داشت. بدیهی است از هر وسیله‌ای برای جلب توجه نیز استفاده می‌کند. اگر این جلب توجه سالم از طریق راه‌ها و فرصت‌هایی که فرد در اختیار دارد کم و ناکارآمد باشد، شخص سعی می‌کند از طریق راه‌ها و فرصت‌های ناسالم که اتفاقاً سهل‌الوصول و فراوان است، به سمت الگوهای غربی که با سلاقی و علایق این دوره سنی هماهنگی بیشتر دارد تمایل بیشتری داشته و الگوهای سنتی برایش جذابیت خاصی نداشته باشد (فتحی و نامور، ۱۳۹۶: ۹۵).

نظریه فیش باین آیزن معتقد است؛ زنجیره‌ای از عوامل مختلف رفتار را به وجود می‌آورد که اساساً قصد و نیت واسطه اصلی بین آن دو به حساب می‌آید. در این تئوری، قصد و نیت را تابعی از متغیر اول (گرایش به سوی آن رفتار یک متغیر) و نیت را تابعی از متغیر اول (گرایش به سوی آن رفتار یک متغیر) می‌دانند که فردی و شخصی است و طی آن فرد انجام یک رفتار (یک پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب است یا بد. متغیر نوع دوم (هنجار ذهنی) منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک کار (رفتار) احساس و ادراک می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۴۵).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری نگرش فرد تأثیر گروه نخستین است که کولی به آن پرداخته است. در دیدگاه کنش متقابل نمادین، جریان اجتماعی شدن افراد جامعه و به‌خصوص کودکان اهمیت بسیاری دارد. به همین دلیل تأکید بسیاری به نقش افراد از قبیل پدر، مادر، دوستان و معلمان که کودک آنها را الگوی خود قرار داده است، دارند.

کولی به این نکته توجه دارد که رشد و قوام یک شخص، از رهگذر تبادل او با دیگران به‌دست می‌آید (کوزر، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

کوئن نیز معتقد است «تنها گروهی که کودک با آن تماس مستمر دارد، خانواده کودک پس از تولد است. به همین دلیل خانواده نقش اصلی در شکل‌گیری ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورهای کودک دارد و حتی این تأثیر بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دارد نیز خودش را نشان می‌دهد».

هالامی و آرجیل نیز توجه ویژه‌ای بر تأثیر خانواده بر شخص داشته و اظهار می‌دارند که اعتقادات والدین بر شکل‌گیری هویت دینی افراد تأثیر مستقیم دارد و حتی از تأثیر گروه همسالان، این انتقال ارزش‌ها نیز مهم‌تر است.

سلامت روان، سلامت ابعاد خاصی از انسان مانند هوش، ذهن، حالت و فکر است. براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت روانی در مفهوم کلی، یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی است (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۰). تصور از خود یا ادراک از خویشتن، یعنی یک نقطه‌نظر عینی از مهارت‌ها، خصوصیات و توانایی‌هایی که فرد از خود دارد (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

شهید مطهری نیز بیان داشته است، عدم رعایت حجاب از سوی زنان، هیجانات و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و زمینه آسیب‌های روانی را فراهم می‌آورد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۴۴۳-۴۳۴). قرآن کریم می‌فرماید: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹)؛ آن (حجاب) بهتر است برای اینکه (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «صیانه المراه انعم لحالها» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۲۵۵)؛ پوشش زنان به حال ایشان سودمندتر است. از سوی دیگر، همان‌طور که یافته اول نشان می‌دهد، پایبندی به حجاب با تصور از خود رابطه دارد و افرادی که تصور از خود بهتری دارند، سلامت روانی بیشتری دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که نارضایتی جسمانی دارند، احتمال ابتلا به افسردگی در بین آنها بیشتر است (راستمنش و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۳۹). همچنین، پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد، به‌طور کلی پایبندی به مذهب و رفتارهای مذهبی، به زندگی انسان معنا می‌بخشد و سلامت روانی را به ارمغان می‌آورد (به نقل از: زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳).

باتوجه به مباحث مطرح شده و پیشینه و ادبیات نظری پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را بررسی کرد:

- به نظر می‌رسد بین دین‌داری و نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین عزت‌نفس و نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین میزان سلامت روان و نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین نگرش مثبت دانشجویان و مادرانشان نسبت به پوشش و حجاب رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین تفاوت‌های فردی و نگرش مثبت نسبت به پوشش حجاب رابطه معناداری وجود دارد.

۱۹۰



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۴. روش پژوهش

نوع پژوهش براساس نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی و بر اساس هدف تحقیق کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) است که براساس فرمول کوکران نمونه آماری ۳۸۴ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش سهمیه‌ای است که اطلاعات با توجه به سهم جمعیت دانشجویان برحسب، جنس، مقطع تحصیلی و دانشکده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است.^۱ در نهایت نوع اعتبار صوری و پایایی متغیرها هم نیز براساس آلفای کرونباخ سنجیده شد.

جدول ۲. سنجش آلفای کرونباخ به همراه گویه‌های مورد استفاده در ساخت متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	ضریب
نگرش مثبت به حجاب	پیامد فردی	موجبات احترام بیشتر برای خود، داشتن هویت مستقل و خودساخته، قابل انتخاب و اعتماد برای ازدواج یا دوستی، داشتن سلامت روان بالا نسبت به دیگران، اعتقاد دینی بالاتر نسبت به دیگران، قلمداد نشدن به عنوان ابزار جنسی در جامعه	۰,۷۸
	پیامد جمعی	زیاد شدن احساس ناامنی در جامعه، شکل‌گیری رابطه آزاد و بدون محدودیت زن و مرد، افزایش آزارهای جنسی، توجه بیش از حد به بدن و به وجود آمدن اختلالات جسمی و روانی، تزلزل بنیان خانواده (چشم‌چرانی مردان، تنوع طلبی و امثال آن)	

۱. در نتایج نهایی از بین ۳۸۴ پرسشنامه پرشده، ۳۷۷ پرسشنامه بدون نقص به دست آمد که از آنها در تجزیه و تحلیل استفاده شد.

متغیر	ابعاد	گویه ها	ضریب
دین داری	اعتقادی	اعتقاد به وجود خدا و عدم شک در آن، باورداشتن زندگی پس از مرگ و روز قیامت	۰,۷۹
	مناسکی	به جا آوردن نمازهای پنجگانه، مقید به روزه گرفتن	
	عاطفی	پوچ و بی هدف دانستن زندگی بدون اعتقادات دینی، احساس نزدیکی به خدا	
	پیامدی	کمک مالی به دیگران، رعایت حق الناس در کلام و رفتار	
	آگاهی	قرائت قرآن با معانی، آگاهی از ادعیه و مراسم های مذهبی	
سلامت روان	تنهایی	احساس تنهایی در روز، احساس تنهایی در شب، انزوا و کناره گیری از جمع	۰,۶۹
	اضطراب	اختلال در خواب، خستگی مداوم، ترس و دلهره بدون دلیل، خارج شدن همه چیز از اختیار	
	افسردگی	احساس بی ارزشی و نفرت از خویش، ناامیدی از زندگی و ارزش زنده نماندن، سرزنش خویش و احساس گناه احساس شکست و ناکامی، احساس زود رنجی و شکنندگی، احساس جذاب نبودن، احساس اندوهگینی و گریان بودن	
	خشونت	عصبی و بدخلق بودن، زود از کوره دررفتن، پرتاب کردن اشیاء، دعوای لفظی و کتک کاری	
عزت نفس	-	به نتیجه رساندن کارها بهتر از دیگران، ناتوانی در امور محوله، عدم سدرار بودن مشکلات در مقابل اراده، نداشتن حس خوبی نسب به توانایی ها و استعدادها	۰,۷۵

۵. یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش، ابتدا به بیان ویژگی‌های شخصی پاسخگویان اشاره می‌شود و سپس نتایج آزمون فرضیات پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵-۱. آمار توصیفی

از کل نمونه پژوهش (۳۱،۳) مرد و (۶۸،۷) درصد زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان (۲۱،۵۹) درصد بود که بر حسب دانشکده محل تحصیل، (۲۶،۰) درصد در دانشکده علوم انسانی، (۲۵،۵) درصد در دانشکده علوم اجتماعی، (۱۴،۶) درصد در دانشکده علوم پایه، (۱۰،۱) درصد در دانشکده فنی و مهندسی، (۹،۰) درصد در دانشکده کشاورزی، (۴،۰) درصد در دانشکده معماری و (۱۰،۹) درصد در دانشکده علوم اسلامی مشغول به تحصیل بودند. بر حسب مقطع تحصیلی نیز (۹۲،۰) درصد در مقطع کارشناسی، (۵،۳) درصد در مقطع کارشناسی ارشد و (۲،۷) درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند که (۷۰،۸) درصد از آنها مجرد، (۱۱،۱) درصد از آنها متأهل، (۴،۸) درصد نامزد (عقدی) و (۱۳،۳) درصد نامزد (بدون عقد) بودند.

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش بالاترین میانگین با (۴۰،۶) درصد مربوط به گزینه بسته به عرف جامعه و اینکه در چه محیطی قرار داشته باشیم حجاب را باید در آن شرایط رعایت کرد و کمترین درصد، (۳،۷) درصد گزینه داشتن چادر بلند به‌طوری‌که فقط گردی صورت بدون آرایشی نمایان باشد، بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان (بر حسب میزان گزینه حجاب مناسب در جامعه)^۱

میزان گزینه حجاب مناسب در جامعه	توزیع فراوانی
داشتن چادر بلند به طوری که فقط گردی صورت بدون آرایشی نمایان باشد	۳،۷
پوشیدن سرویدن با انواع البسه به نحوی که برجستگی‌های بدن مشخص نباشد	۲۳،۳
حجاب اسلامی را قبول نداشته و فقط به اجبار قانون آن را رعایت می‌کنم	۳۲،۴
بسته به عرف جامعه و اینکه در چه محیطی قرار داشته باشیم حجاب را باید در آن شرایط رعایت کرد	۴۰،۶
جمع کل	۱۰۰،۰

۱. از آنجایی که پرسشنامه توسط دو گروه دانشجو دختر و پسر پر شده است، لذا از دانشجویان پسر خواسته

میانگین نمره نگرش مثبت دانشجویان نسبت به پوشش و حجاب ۳,۴۱ است، این به معنای آن است که این متغیر در بین نمونه پاسخگویان بیشتر از متوسط بوده است و با مقایسه بین دو مؤلفه نکته جالب این است که میانگین نمره بعد جمعی ۳,۶۲ از میانگین نمره بعد فردی ۳,۲۱ بیشتر است (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان برحسب میانگین نمره نگرش مثبت دانشجویان نسبت به پوشش و حجاب

نگرش مثبت به حجاب	میانگین	میانه	مد	کمینه	بیشینه
نمره کل نگرش مثبت به حجاب	۳,۴۱	۳,۵۰	۱,۱۰	۱,۱۰	۶۰,۶
بعد فردی	۳,۲۱	۳,۲۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۰۰,۶
بعد جمعی	۳,۶۲	۳,۸۰	۱,۲۰	۱,۲۰	۲۰,۷

میانگین نمره دین‌داری برابر با ۴,۰۶ نمره یعنی نمره‌ای بالاتر از حد متوسط و از بین مؤلفه‌ها به ترتیب نمره اعتقادی، پیامدی، عاطفی، شناختی و مناسکی به‌دست آمده است، میانگین نمره سلامت روان برابر با ۳,۰۷ نمره‌ای بالاتر از حد متوسط و از بین مؤلفه‌ها به‌ترتیب نمره تنهایی، اضطراب، پرخاشگری و افسردگی به‌دست آمده است، میانگین عزت‌نفس نیز ۳,۲۰ بوده است (جدول ۵).

شد به جای استفاده از حجاب شخصی، حجاب همسری که دارید یا انتخاب می‌کنید را در پراتز جهت تکمیل پاسخ قرار دادیم.

جدول ۵. توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب متغیرهای فاصله‌ای پژوهش و ابعاد آنها

عزت نفس	سلامت روان					دین‌داری						متغیرها توزیع فراوانی
	تفکّر	احساس	ادراک	تعلّق	رکّ	شناخت	پیامدی	عاطفه	مناسبات	اعتقادی	رکّ	
۳,۲۰	۲,۸۱	۲,۷۵	۳,۳۴	۳,۳۹	۳,۰۷	۳,۱۸	۳,۱۸	۴,۰۵	۳,۱۲	۵,۰۰	۴,۰۶	میانگین
۳,۲۵	۲,۶۶	۲,۶۰۰	۳,۳۳	۳,۳۳	۳,۰۵	۳,۰۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۳,۰۰	۵,۰۵	۴,۲۰	میانه
۳,۰۰	۲,۰۰	۱,۰۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۶,۰۰	۴,۷۰	مد
۱,۲۵	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	کمینه
۵,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	۶,۰۰	بیشینه

۵-۲. آمار استنباطی

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل استنباطی (ازمون همبستگی پیرسون) در پژوهش حاضر بین متغیر میزان دین‌داری و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه مثبت و معنادار گردید ($0,000 = \text{سطح معناداری}$ ، ضریب همبستگی $= 0,273$) و بر این اساس فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیشتر باشد، نگرش مثبت‌تری نسبت به حجاب وجود دارند و بالعکس. همچنین طبق نتایج به دست آمده از ابعاد دین‌داری به جز بعد پیامدی دین‌داری، بین همه ابعاد دین‌داری با نگرش مثبت به حجاب نیز رابطه مثبت و معنادار به دست آمد.

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون بین میزان متغیرهای (دین‌داری، سلامت روان، عزت‌نفس)

و نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب

عزت‌نفس	ابعاد				سلامت روان	ابعاد					دین‌داری	متغیرها نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب
	پر خاشاکی	افسردگی	اضطراب	تنهایی		شناختی	پنداری	عاطفی	منطقی	اعتقادی		
۰,۱۹۵	۰,۰۳۵	-۰,۱۴۳	۰,۲۱	۰,۱۰۶	-۰,۰۸۵	۰,۲۴۳	۰,۰۲۴	۰,۲۵۳	۰,۲۴۲	۰,۲۵۶	۰,۲۷۳	ضریب همبستگی پیرسون
۰,۰۰۰	۰,۵۴۱	۰,۰۰۵	۰,۶۸۷	۰,۴۰	۰,۰۹۸	۰,۰۰۰	۰,۰۶۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری (دوطرفه)

۱۹۶

بین متغیر میزان سلامت روان و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب ارتباطی بین این دو متغیر به دست نیامد ($r = 0,098$ = سطح معناداری، ضریب همبستگی = $-0,085$) و فرضیه پژوهش تأیید نشد. همچنین طبق نتایج به دست آمده از ابعاد بررسی سلامت روان به جز بعد افسردگی که ارتباط آن با نگرش مثبت به حجاب غیرمستقیم و معنادار بود، در دیگر ابعاد سلامت روان نیز این ارتباط مشاهده نگردید.

در بررسی رابطه بین متغیر میزان عزت‌نفس و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه مثبت و معنادار گردید ($r = 0,195$ = سطح معناداری، ضریب همبستگی = $0,195$) و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. یعنی هرچه میزان عزت‌نفس بیشتر باشد، نگرش مثبت‌تری نسبت به حجاب وجود دارد و بالعکس (جدول ۶).

جدول ۷. نتایج آزمون (Anova) و (T-test) میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب بر حسب (جنس، وضعیت تاهل، دانشکده و مقطع تحصیلی)

آزمون دونمونه ای مستقل						تعداد	جنس	جنسیت
تفاوت میانگین	سطح معناداری (دوطرفه)	درجه آزادی	آماره t			۳،۴۴	۱۱۸	
۰،۰۳۵	۰،۸۳۰	۳۷۵	۰،۲۱۴	واریانس‌های برابر				زن
۰،۰۳۵	۰،۸۳۰	۲۱۰،۷۷۰	۰،۲۰۸	واریانس‌های نابرابر		۳،۴۰	۲۵۹	مرد
آزمون تحلیل واریانس						میانگین	تعداد	مقطع
سطح معناداری	آماره F	مجموع میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات		۳،۴۶	۳۴۷	کارشناسی
۰،۰۱۰	۱۱،۳۴۱	۱۰،۰۰۰	۲	۲۰،۰۰۱	درون گروهی	۲،۴۷	۲۰	ارشد
-	-	۲،۱۲۹	۳۷۴	۷۶۹،۳۴۲	برون گروهی	۳،۸۱	۱۰	دکتری
-	-	-	۳۷۶	۸۱۶،۳۴۲	جمع کل	۳،۴۱	۳۷۷	جمع کل
آزمون تحلیل واریانس						میانگین	تعداد	وضعیت تاهل
سطح معناداری	آماره F	مجموع میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات		۳/۵۳	۲۶۷	مجرد
۰،۰۰۰	۱۵،۷۶۴	۳۰،۶۱۹	۳	۹۱،۸۵۷	درون گروهی	۴/۲۳	۴۲	متاهل
-	-	۱،۹۴۲	۳۷۳	۷۲۴،۴۸۶	برون گروهی	۲/۳۳	۱۸	نامزد (عقدی)
-	-	-	۳۷۶	۸۱۶،۳۴۲	جمع کل	۲/۵۳	۵۰	نامزدی (بدون عقد)
-	-	-	-	-	-	۳/۴۱	۳۷۷	جمع کل

آزمون تحلیل واریانس						میانگین	تعداد	دانشکده	دانشکده محل تحصیل
سطح معناداری	آماره F	مجموع میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات		۳,۷۹	۹۸	انسانی	
۰۰۰	۹,۲۵۰	۱۷,۷۴۷	۶	۱۰۶,۴۸۰	درون گروهی	۳,۵۵	۹۶	اجتماعی	
-	-	۱,۱۹۱۹	۳۷۰	۷۰۹,۸۶۳	برون گروهی	۲,۷۶	۵۵	علوم پایه	
-	-	-	۳۷۶	۸۱۹,۳۴۲	جمع کل	۲,۵۵	۳۸	فنی و مهندسی	
-	-	-	-	-	-	۳,۱۰	۳۴	کشاورزی	
-	-	-	-	-	-	۲,۹۵	۱۵	معماری	
-	-	-	-	-	-	۴,۳۰	۴۱	علوم اسلامی	
-	-	-	-	-	-	۳,۴۱	۳۷۷	جمع کل	

در بررسی تفاوت میانگین میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب برحسب جنسیت (سطح معناداری = ۰,۰۸۳) تفاوتی مشاهده نگردید. این میانگین در بین مردان = ۳,۴۴ و زنان = ۳,۴۰ بسیار ناچیز بود. برحسب دانشکده محل تحصیل (سطح معناداری = ۰,۰۰۰) تفاوت وجود داشت. و نتایج توصیفی این میانگین از بیشتر به کمتر؛ علوم اسلامی = ۴,۳۰؛ انسانی = ۳,۷۹؛ اجتماعی = ۳,۵۵؛ کشاورزی = ۳,۱۰؛ معماری = ۲,۹۵؛ علوم پایه = ۲,۷۶؛ فنی و مهندسی = ۲,۵۵ بود؛ برحسب مقطع تحصیلی (سطح معناداری = ۰,۰۱۰) این تفاوت معنادار بود و تفاوت میانگین از بیشتر به کمتر؛ دکتری = ۳,۸۱؛ کارشناسی = ۳,۴۶؛ ارشد = ۲,۴۷ بود؛ بر حسب وضعیت تأهل تفاوت میانگین وجود داشت و این میانگین از بیشتر به کمتر؛ متأهل = ۴,۲۳؛ مجرد = ۳,۵۳؛ نامزدی (بدون عقد) = ۲,۵۳؛ نامزد (عقدی) = ۲,۳۳ بوده است (جدول ۷).

199

نتایج آزمون ویلکاکسون											
مجموع رتبه ها	رتبه میانگین	رتبه	تعداد	شکاف نسلی	بیشینه	کمیته	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شکاف نسلی	په لحاظ
۴۱۹۳.۵۰	۱۵۰.۸۳	۲۷۸	رتبه های منفی	رتبه های مثبت	به لحاظ پوشش خود را در کدام دسته قرار می دهید؟	۹.۰۰۰	۱.۰۰۰	۲۵.۱	۶.۳۶	۳۷۷	پوشش خود را در کدام دسته قرار می دهید؟
۱۷۲۹.۵۰	۱۰۰.۱۷۴	۱۷	رتبه های مثبت	رتبه های مثبت	۹.۰۰۰	۱.۰۰۰	۲۶.۰	۳.۹۶	۳۷۷	پوشش مادر خود در کدام دسته قرار می دهید؟	
				Z		۱۳.۷۵۶-					

به منظور درک بهتر آزمون تفاوت پوشش مادر و فرزند {و برای پسران انتخاب گزینه (مادر و همسر)} (بررسی شکاف نسلی در انتخاب پوشش)، ابتدا در جدول شماره ۸ فراوانی آنها بررسی شد. همان طور که مشاهده می شود میزان فراوانی به هر گزینه نه تنها یکسان نبوده، بلکه این فرایند تغییر بیشتر به سمت کمتر پوشیده بودن از سوی نسل جدید و فاصله بیشتر با حجاب مادر بوده است. چنانچه بیشترین فراوانی برای مادر؛ گزینه چادری بدون هر نوع آرایشی و استفاده از زیورآلات و ست کردن روسری و ساق دست ۲۵,۵ درصد و برای فرزند؛ گزینه مانتو بدون توجه به داشتن روسری و... (ترجیح ندادن روسری) ۲۷,۹ درصد بوده است. براساس جدول آزمون تحلیل ویلکاکسون (جدول ۸) باتوجه به (سطح معناداری = ۰,۰۰۰) می توان نتیجه گرفت پوشش انتخابی مادر و فرزند متفاوت است. برای تفاوت پوشش مادر و فرزند، فقط ۸۲ تا نفر پوششی مشابه با پوشش مادران خود داشتند و ۲۷۸ نفر به لحاظ پوششی از مادر، سطح پوشش کمتری و ۱۷ نفر، پوشش بالاتری را نسبت به مادرانشان انتخاب کرده بودند.

۳-۵. تحلیل رگرسیونی

با استفاده از تحلیل رگرسیون با وارد کردن ۷ متغیر مستقل را بر متغیر وابسته ضریب همبستگی چندانکه آنها با گرایش به نگرش مثبت نسبت به حجاب برابر $R = 0,73$ و ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0,54$ به دست آمد. بیانگر آن است که حدود ۵۴,۰٪ از واریانس متغیر نگرش مثبت به حجاب توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیونی تبیین شده است. همچنین آماره دوربین واتسون با $4 < 1,92 < 2$ حاکی از استقلال متغیرها از یکدیگر است.

جدول ۹. نتایج و ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

مدل	ضریب R	ضریب R ^۲	ضریب R	آماره دوربین - واتسون	
	۰,۷۳۵	۰,۵۴۰	۰,۵۲۶	۱,۰۱	۱,۹۲۰
رگرسیون	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
	۴۴۰,۹۱۰	۱۱	۴۰,۰۸۳	۳۵,۹۶۹	۰,۰۰۰
ضریب باقیمانده	۳۷۵,۴۳۳	۳۶۵	۱,۰۲۹	-	-
جمع کل	۸۱۶,۳۴۲	۳۷۶	-	-	-
مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره t	سطح معناداری
	ضریب بتا	خطای استاندارد	ضریب بتا		
سازه	۳,۶۹۸	۰,۷۰۹		۵,۲۱۸	۰,۰۰۰
دین‌داری	۰,۶۶۲	۰,۰۵۹	۰,۵۰۹	۱۱,۲۰۱	۰,۰۰۰
وضعیت تاهل	-۰,۱۴۸	۰,۰۵۰	-۰,۱۰۷	-۲,۹۳۲	۰,۰۰۴
مقطع تحصیلی	-۰,۳۸۰	۰,۱۳۹	-۰,۰۹۹	۲,۷۲۴	۰,۰۰۷
دانشکده محل تحصیلی	-۰,۰۵۱	۰,۰۲۷	-۰,۰۶۸	-۱,۸۸۴	۰,۰۶۰
جنس	-۰,۱۶۲	۰,۱۱۴	-۰,۰۵۱	-۱,۴۱۸	۰,۱۵۷
سلامت روان	۰,۰۶۷	۰,۰۵۶	۰,۰۴۷	۱,۶۱۲	۰,۲۳۴
عزت نفس	-۰,۰۱۸	۰,۰۹۳	-۰,۰۰۸	۱,۱۹۱	۰,۸۴۴

ضریب معناداری در جدول (۹) نشان می‌دهد، با $p \leq ۰,۰۵$ می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد.

همچنین از بین متغیرهای مستقل، متغیر دین‌داری با $\beta = .509$ ، بیشترین و به ترتیب متغیر تأثیر وضعیت تأهل با $\beta = -.107$ ، مقطع تحصیلی $\beta = -.99$ ، دانشکده محل تحصیلی $\beta = -.068$ ، جنس $\beta = -.051$ ، سلامت روان $\beta = .047$ و عزت نفس $\beta = -.008$ در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به مسئله حجاب و پوشش در بین دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین در سال ۱۴۰۳ انجام گرفت. اگرچه عقیده به داشتن حجاب در بین مردم مشهود است، اما از نظر افکار عمومی وضعیت حال حاضر جامعه کمی متفاوت است؛ نتایج این پژوهش ما را کمک در شناخت شرایط موجود از دید دانشجویان یاری می‌رساند.

۲۰۲

بر اساس یافته‌های پژوهش بین متغیر میزان دین‌داری و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که با نتایج پژوهش کشوری چرمی و همکاران (۱۴۰۰)، ده یادگاری و همکاران (۱۳۹۶) زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۳) سیاح و رگ و همکاران (۱۳۹۲) زنجان و احسانی (۱۳۹۱) همخوانی داشته و هم راستا است. وجود رابطه معنادار بین سلامت روان و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب فرضیه دیگری بود که تأیید نشد و با نتایج پژوهش اسکویی و عبدی (۱۳۹۱)؛ انتصارفومنی و همکاران (۱۳۹۴)؛ زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۳)؛ رجبی (۱۳۸۲) همخوانی نداشت. اگرچه در فرضیه ارتباط بین بعد افسردگی و نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب نیز باید ارتباط بین این دو متغیر را در نظر داشت.

تأیید فرضیه وجود رابطه مستقیم و معنادار بین متغیر عزت نفس و میزان نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب از دیگر نتایج پژوهش است که با نتایج پژوهش ده یادگاری و همکاران (۱۳۹۶) سفیدی و همکاران (۱۳۹۲) و تولایمت و مرادی (۲۰۱۱) همخوانی دارد. وجود تفاوت میانگین در نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب برحسب جنسیت (مردان ۳/۴۴ و زنان ۳/۴۰) از دیگر یافته‌های این پژوهش است که با پژوهش کشوری چرمی و همکاران، ۱۴۰۰ و زنجان و احسانی (۱۳۹۱) همخوانی دارد؛ اما نتایج این مطالعات به دقت و تمایز این پژوهش نیست، چرا که در این پژوهش میانگین نمره دو گروه مرد و زن به دست آمده و با یکدیگر مقایسه شده است.

وجود تفاوت میانگین در نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب بر حسب دانشکده محل تحصیل (علوم اسلامی ۴,۳۰؛ انسانی ۳,۷۹؛ اجتماعی ۳,۵۵؛ کشاورزی ۳,۱۰؛ معماری ۲,۹۵؛ علوم پایه ۲,۷۶؛ فنی و مهندسی ۲,۵۵) نقطه قوت این پژوهش محسوب می‌شود که بر اساس پیشینه پژوهش تاکنون چنین فرضیه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. در حوزه تفاوت میانگین نمره حجاب در دانشکده‌ها، شاید بتوان گفت دانشجویان حوزه علوم انسانی و اجتماعی، از خانواده‌های مذهبی‌تر بوده و یا اینکه ماهیت این رشته‌ها و دانشجویان و اساتید آن مذهبی‌تر از سایر رشته‌های دیگر باشند و به همین دلیل نمره میانگین این دانشکده‌ها به نسبت دانشکده معماری کمتر شده باشد.

وجود تفاوت میانگین در نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب بر حسب مقطع تحصیلی (دکتری ۳,۸۱؛ کارشناسی ۳,۴۶؛ ارشد ۲,۴۷) با پژوهش (فتحی و نامور، ۱۳۹۶)، زنجانی و احسانی (۱۳۹۱) که در پژوهش خود به متغیر مقطع تحصیلی اشاره داشتند، مرتبط بود؛ اما آنها این تفاوت را به دقت بررسی نکرده بودند که در این پژوهش با دقت تفاوت میانگین‌ها بین مقاطع تحصیلی با نمره هر کدام مشخص شد. در حوزه تفاوت میانگین بر حسب مقطع تحصیلی ارتباطی با افزایش مقاطع تحصیلی به دست نیامد. شاید بتوان گفت زمینه‌ها و متغیرهای دیگری در مقوله نگرش مثبت به حجاب وجود دارد که بیشتر آنها را تحت‌الشعاع خود قرار داده و سنوات تحصیلی را در مقوله حجاب مؤثر ندانسته است.

وجود تفاوت میانگین نگرش مثبت نسبت به پوشش و حجاب بر حسب وضعیت تأهل (متأهل ۴,۲۳؛ مجرد ۳,۵۳؛ نامزد بدون عقد ۲,۵۳؛ نامزد عقدی ۲,۳۳) با پژوهش انتصارفومنی و همکاران (۱۳۹۴)، کشوری چرمی و همکاران (۱۴۰۰)، زنجانی و احسانی (۱۳۹۱) مرتبط بود با این تفاوت که در این پژوهش تفاوت میانگین‌ها بین گروه‌های مذکور با نمره هر کدام مشخص شده است.

در بررسی تفاوت پوشش مادر و فرزند (بررسی شکاف نسلی در انتخاب پوشش)، بیشترین فراوانی برای مادر؛ گزینه چادری بدون هر نوع آرایشی و استفاده از زیورآلات و ست کردن روسری و ساق دست ۲۵,۵ درصد و برای فرزند؛ گزینه مانتو بدون توجه به داشتن روسری و... (ترجیح ندادن روسری) ۲۷,۹ درصد بوده است که میزان فراوانی به هر گزینه نه تنها یکسان نبوده، بلکه این فرایند تغییر بیشتر به سمت کمتر پوشیده بودن از سوی نسل جدید و فاصله بیشتر با حجاب مادر بوده است. چنانچه براساس آزمون تحلیل

ویلیکاکسون تفاوت پوشش مادر و فرزند، فقط ۸۲ نفر پوششی مشابه با پوشش مادران خود داشتند و ۲۷۸ نفر به لحاظ پوششی از مادر، سطح پوشش کمتری و ۱۷ نفر، پوشش بالاتری را نسبت به مادرانشان انتخاب کرده بودند که این نتیجه نشان می‌دهد فرایند شکاف نسلی و تغییرات زندگی مدرن، حوزه حجاب و پوشش را نیز دربرگرفته است.

پیشنهادهای

- نگرش مثبت نسبت به حجاب در بین متأهل‌ها نسبت به دیگر گروه‌ها بیشتر وزنه دینی بودن امر ازدواج در صیانت از ایمان و حجاب را گوشزد می‌کند؛ یعنی وقتی افراد تأیید اجتماعی خود را در کانون خانواده (خانواده‌ای که خود شخص تشکیل زندگی مشترک می‌دهد نه خانواده مبدأ شخص) به‌دست می‌آورند دیگر نیازی به این تأیید در بیرون از خانواده و از سمت جنس مخالف ندارند. امید است زمینه ازدواج جوانان در تمام حوزه‌های اقتصادی _ اجتماعی و فرهنگی با قوت بیشتری ادامه داشته باشد. تا جامعه سالم‌تر، شاداب‌تر و معتقدتر به الزامات دینی و فرهنگی داشته باشیم.

- بررسی رابطه بین دین‌داری و نگرش مثبت به حجاب نشان می‌دهد که هرچه افراد دیندارتر باشند، به نسبت بالاتری نگاه مثبت‌تری نسبت به حفظ حجاب دارند. مسلماً در جامعه دینی باید دین برای نسل جوان با آگاهی و تعمق بیشتری آموزش داده شود تا هم نیازهای معنوی و روحی آنها را مرتفع کنند و هم در راستای حفظ جامعه دینی، مقید به اصول و مقررات آن باشند.

- در رابطه بین بین سلامت روان و نگرش مثبت نسبت به حجاب، بعد اضطراب و خشونت معنادار نبود ولی بعد تنهایی و افسردگی با نگرش مثبت به حجاب رابطه مستقیم و معنادار وجود داشت که نشان می‌دهد حجاب و معنویت خود در دنیای افسارگسیخته مدرنیته می‌تواند التیامی برای روح و روان جامعه مدرن باشد و توقع است نهادهای دینی و فرهنگی (از مساجد، دانشگاه‌ها، رسانه‌های داخلی و...) با پیوند با روان‌شناسان اثر و اهمیت دین را برای افراد توجیه و درونی کنند تا در جامعه مدرنی که دائماً تنش‌ها و اضطراب تنهایی و افسردگی انسان را دوچندان می‌کند، با انس دین و بهره‌مندی از مواهب معنویت افراد سالم و پرنشاطی برای کشورمان رشد و پرورش دهیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انتصارفومنی، غلامحسین، کاوندی، سحر، کمالی، نقی، انتصارفومنی، منصوره، و انتصارفومنی، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان با حجاب و بدحجاب، زن و مطالعات خانواده، ۷(۲۶)، ۷-۲۲.
۳. حسن زاده، محمدجواد (۱۴۰۱). عفاف و حجاب از منظر اسلام و روانشناسی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی مدیریت. روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران.
۴. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۰). نگاهی گذرا به شبهات حقوقی پیرامون مسائل زنان. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۵. خدادادی سنگده، جواد، و احمدی، خدابخش (۱۳۹۴). نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان: مطالعه‌ای ملی، فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۳)، ۷-۲۱.
۶. خوشفر، غلامرضا، باقری، فاطمه، بزرگر، سمیه، و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان). مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳(۴)، ۷۳-۴۷.
۷. خیدانی، لیلی (۱۳۹۴). بررسی فرهنگ حجاب و عفاف و نگرش به آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های استان ایلام، پژوهش‌نامه زنان، ۶(۱۲)، ۵۱-۷۳.
۸. ده‌یادگاری، سعید، شبکی اصفهانی، اصغر، بستم، هادی، و الیاسی، نبی‌اله (۱۳۹۶). ارائه الگوی ساختاری عوامل مؤثر بر قصد خرید پوشاک حجاب در زنان، فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۸)، ۷-۳۰.
۹. رجبی، عباس (۱۳۸۲). رابطه نگرش به حجاب و سطح اضطراب به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه علامت روانی در دختران دانش‌آموز پایه سوم مقطع متوسطه شهر قم و تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش نگرش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز، تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
۱۱. زارعی توپخانه، محمد، مرادیانی گیزه رود، سیده خدیجه، و هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۳). رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان، روان‌شناسی و دین، ۷(۲۷)، ۹۲-۸۱.
۱۲. زنجانی، حبیب‌اله، و احسانی، مریم (۱۳۹۱). رویکرد جوانان نسبت به حجاب (مورد مطالعه: مناطق دو و هیجده شهر تهران)، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲(۶)، ۷۵-۹۵.
۱۳. سفیدی، فاطمه، مافی، رؤیا، قدیمی، فاطمه، و طاهرپور، مریم (۱۳۹۲). تأثیر رعایت حجاب بر عزت‌نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۷)، ۲۱۷-۲۲۸.
۱۴. سیاح ورگ، محمد، امیرپور، مهناز و وحیدی مطلق، عفت (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر عفاف و حجاب دختران مقطع متوسطه (مطالعه موردی استان خراسان شمالی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۱(۱)، ۱۱۵۲-۱۳۷.
۱۵. طیبی‌نیا، موسی، و احمدی، حبیب (۱۳۹۲). مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۴(۱۶)، ۶۹-۴۷.
۱۶. فاضلیان، پوراندخت (۱۳۹۰). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران. پژوهش‌نامه زنان، ۱(۲)، ۸۶-۶۵.
۱۷. فتحی، امین، و نامور، جعفر (۱۳۹۶). مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایش‌های

۱۸. کاشانی، مجید (۱۳۸۶). بررسی تاریخی و جامعه شناختی حجاب در ادیان الهی. بانوان شیعه، (۱۱)، ۳۰ - ۷.
۱۹. کشوری چرمی، مصطفی، محبی، جلیل، و علی مددی، عبدالحسین (۱۴۰۰). بررسی وضعیت پوشش و حجاب زنان در جامعه و پیامدهای بی‌حجابی آنان، کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تغلیس گرجستان.
۲۰. کوزر، لویس (۱۳۸۵). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۱. گنجی، حمزه (۱۳۸۵). روانشناسی تجربی کاربردی، تهران: بعثت.
۲۲. مدقق، عبدالظاهر (۱۳۸۷). پیامدهای گسست میان نسل‌ها و راهکارهای مقابله با آن. قم: انتشارات دفتر عقل، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۴. نوری، میرزاحسی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۵. واتسون، هلن (۱۳۸۲). زنان و حجاب، ترجمه مرتضی بحرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۰، ۳۰۹-۳۳۰.
26. Oskouei, A. G., Abdi, S. (2013). Symptoms of Cluster B Personality Disorders in Iranian Females Wearing Thick Makeup: A case-control Study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 686-690. DOI: 10.1016/j.sbspro.2013.06.627. Conference: 3rd World Conference on Psychology, Counselling and Guidance (WCPCG-2012).
27. Bhui, K., Khatib, Y., Viner, R., Klineberg, E., Clark, C., Head, J., & Stansfeld, S. (2008). Cultural identity, clothing and common mental disorder: a prospective school-based study of white British and Bangladeshi adolescents. *Journal of epidemiology and community health*, 62(5), 435-441.
28. Derayah, M. (2010). Depiction of women in Iranian cinema, 1970s to present. *May 2010 Women s Studies International Forum* 33(3):151-158., DOI: 10.1016/j.wsif.2009.12.010.
29. Tarlo, E. (2007). «Hijab in London: Metamorphosis, Resonance and Effects», *July 2007 Journal of Material Culture* 12(2).
30. Thangarajah, C. Y. (2003). Veiled constructions: Conflict, migration and modernity in eastern Sri Lanka. *Contributions to Indian Sociology*, 37(1-2), 141-162. <https://doi.org/10.1177/006996670303700107>.
31. Tolaymat, L. D., & Moradi, B. (2011). U.S. Muslim women and body image: links among objectification theory constructs and the hijab. *Journal of counseling psychology*, 58(3), 383-392. <https://doi.org/10.1037/a0023461>.
32. Shirazi, F., & Mishra, S. (2010). Young Muslim women on the face veil (niqab): A tool of resistance in Europe but rejected in the United States. *International Journal of Cultural Studies*, 13(1), 43-62. <https://doi.org/10.1177/1367877909348538>.